

تجمع در مونیخ، آدم‌کشی در کانادا

ترور و ترول دوگانهٔ خشونت تشکیلات پهلوی



سیدمهدی طالبی پژوهشگر حوزه بین‌الملل

دستگاه ترور تشکیلات پهلوی بعد از وقایع ۱۸ و ۱۹ دی‌ماه در ایران، تفنگ خود را به‌سمت کانادا گرفته است. هدف خاموش کردن مخالفت‌های درون‌جناحی است. پهلوی‌ها در داخل تشکیلات خود و دیگر براندازان، شمشیر انداخته‌اند و می‌کشند. نخستین طعمه، «مسعود مسجودی» بود که در کانادا زبوده شد و به قتل رسید. جالب آنکه وی از فعالان نزدیک به پهلوی بوده، اما در ادامه با بخشی از این جریان به مشکل خورد. او زمانی زبوده شد که در آستانه یک پیروزی حقوقی در دادگاه کانادا علیه سلطنت‌طلبان قرار گرفته بود.

مسجودی پیش از زبوده شدن در جریان یک مصاحبه اینترنتی گفته بود: «این را به‌عنوان کسی که زمانی با اداره‌کنندگان دفتر آقای «رضا پهلوی» ارتباط سازمانی داشته می‌گویم. این‌ها تمام ابرازهای آزار را استفاده می‌کنند. به شکل آشکار پست تهدیدآمیز می‌گذارند که «می‌آیم بالای سرتان! حتی درباره خود من، سسایز و اندازه «خنجر» و محل فرود آن را هم تعیین کردند! من این‌ها را جلوی مقامات دادگاه‌عالی بریتیش کلمبیای کانادا گذاشتم. بسیاری از قضات مهیوت بودند. می‌گفتند مگر امکان دارد؟»

حالا در کمتر از دو هفته، تشکیلات پهلوی دومین مخالف خود را در کانادا هدف قرار داده است. «حسن احمدی‌پور» در تورنتو کانادا به قتل رسیده است. احمدی‌پور همسر «روجا آزادیان» یکی از جان‌باختگان هواپیمای اوکراینی در دی‌ماه ۱۳۹۸ است. پس از آن عده معدودی از خانواده‌های قربانیان این واقعه که گرایش‌هایی براندازانه داشتند، با سوءاستفاده از این اتفاق، انجمنی تأسیس کردند تا در پوشش آن به فعالیت علیه ایران بپردازند. احمدی‌پور یکی از اعضای هیئت‌مدیره این انجمن شد و از نزدیکان «حامد اسماعیلیون» به شمار می‌رفت. اسماعیلیون که خود همسر و فرزندش را در واقعه هواپیمای اوکراینی از دست داد، در فعالیت‌های خود گرایش‌هایی به سمت سازمان منافقین نشان داد و به تبع او، احمدی‌پور نیز در خط این گروه تروریستی فعالیت می‌کرد.

این دو ترور حکایت از آن دارد که تشکیلات پهلوی برنامه‌ای گسترده برای پاک‌سازی و یکپارچه‌سازی اجباری جریانات برانداز در دست اجرا دارد که شامل فعالان ناسازگار سلطنت‌طلب و گروه‌های دیگر به‌ویژه منافقین می‌شود. آنچه‌دراین‌خصوص اهمیت بالایی دارد، اختیارات، میزان حمایت و آزادی عملی است که تشکیلات پهلوی در جغرافیای غرب یافته است. همان‌گونه که مشهور است رژیم صهیونیستی یک استثنا در نظام بین‌الملل بوده و برای اقدامات خود مصونیت و آزادی عمل دارد، به نظر می‌رسد پهلوی‌ها به تأسی از حامی اصلی خود که در حال حاضر تل آویو است، وضعیتی مشابه یافته‌اند. تشکیلات پهلوی در جغرافیای غرب که تحت رصد سرویس‌های اطلاعاتی قدرتمندی است، ترور می‌کند بدون آنکه خبری از پیگرد باشد. کانادا از نظر اطلاعاتی قدرت بالایی دارد و هم‌زمان جزء ائتلاف اطلاعاتی موسوم به «پنج چشم» است که بازوی اطلاعاتی محور آنگلوساکسونی به حساب می‌آید. در این ائتلاف علاوه بر کانادا، آمریکا، انگلیس، استرالیا و نیوزیلند هم عضوت دارند.

اقدام به ترور در کانادا موضوع ساده‌ای نیست. اگر پذیرفته شود موفقیت ترور نخست به دلیل ناگهانی بودن و سرعت در اجرا باعث عقب ماندن و غفلت دستگاه اطلاعاتی کشور میزبان شده است، این استدلال برای ترور دوم قابل توجیه نیست. دستگاه اطلاعاتی میزبان باتوجه‌به ترور نخست باید هوشیار می‌شد، اما تشکیلات پهلوی موفق شد دومین شخص موردنظر خود را هم از بین ببرد.

هم‌زمان با ماشین «ترور فیزیکی»، تشکیلات پهلوی ماشین «ترور شخصیتی» فعالی در شبکه‌های اجتماعی دارد. تشکیلات پهلوی در شبکه‌های اجتماعی که پیش‌ازاین سلب‌رئی‌های نزدیک به این جریان را با لایک‌های فیک تقویت می‌کرد، حالا از این شبکه‌ها برای حمله و تحت‌فشار قرار دادن کسانی استفاده می‌کند که نظراتی مخالف پهلوی دارند. هدف این تشکیلات تنها کسانی نیستند که از پهلوی انتقاد کرده‌اند، بلکه نظراتی که اندکی با او اختلاف داشته‌اند، طعمه اعمال فشار و تهدید شده‌اند.

در بسیاری از موارد، اشخاص و کسب‌وکارها برای حفظ دارایی‌های تبلیغی و شبکه فروش خود در شبکه‌های اجتماعی، در هراس از ریبورت کردن، مجبور به همراهی با خواست‌های این جریان تمامیت‌خواه شده‌اند. یکی از آخرین نمونه‌ها، «گلشلیفته فراهانی» است. گلشلیفته فراهانی بازیگر سینما که مدت‌هاست از کشور خارج شده و در سال ۱۴۰۱، یکی از سلب‌رئی‌های فعال در شبکه‌های اجتماعی بود، در پس‌زمینه وقایع دی‌ماه، در مصاحبه با

شبکه‌ای فرانسوی به ایده حمله خارجی به ایران تاخت و آن را رد کرد؛ ایده‌ای که توسط تشکیلات پهلوی حمایت می‌شود و حتی خود دولت ترامپ به طور کامل در پی آن نیست. فشارها به گلشلیفته فراهانی که یکی از فعالان قدیمی چپ افراطی است و با سلطنت مخالفی بنیادین دارد، به جایی رسید که او مجبور ششد سلطنت را یکی از گزینه‌های حکومت بر ایران دانسته و با تکرار ایده تشکیلات پهلوی برای حمله خارجی، ادعا کند چنین حمله‌ای چندان هم بد نیست.

سمت‌وسوی ماشین کشتار

در دی‌ماه، جغرافیای حرکت ماشین ترور تشکیلات پهلوی، ایران بود و اهداف آن شامل مردم، نیروهای حافظ امنیت و معترضان می‌شد. ازاین‌رو اهداف گرچه تعیین شده، اما ترور «توده‌محور» بود. نتیجه مدنظر از این اقدام در وهله اول امتحان شانس برای اجرای کودتا و ساقط‌سازی نظام به شکل ضربتی بود. در وقایع دی‌ماه به ۷۴۹ پاسگاه نیروی انتظامی حمله شد که این تعداد معادل یک‌پنجم یا ۲۰ درصد از کل پاسگاه‌های این نیرو است. قصد تشکیلات پهلوی از این حرکت کودتاگونه خارج کردن اوضاع امنیتی و انتظامی کشور از دست دولت و فراهم کردن زمینه حمله خارجی بود. هدف B یا جابگزین در صورت ناکامی، بر جای گذاشتن زخمی عمیق در جامعه ایران بود.

بااین‌حال در بهمن‌ماه، جغرافیای فعالیت ماشین ترور، کانادا در آمریکای شمالی و یکی از محل‌های تجمع براندازان و اپوزیسیون در دیامپوری ایرانی است. هدف از حرکت در کانادا، ضربه به مخالفان درون‌جناحی از میان سلطنت‌طلبان و چنگ‌و دندان نشان دادن به منافقین است؛ چه اینکه منافقین نیز در مواردی با حمله به تجمعات تشکیلات سلطنت‌طلبان، خودی نشان داده بودند. از نظر کسانی که ترور می‌شوند، بر خلاف ترورهای دی‌ماه ایران که «توده‌محور» بودند، ترورهای بهمن‌ماه کانادا، «شخص‌محور» هستند.

شواهد حمایت‌سنگین از تشکیلات پهلوی وخشونت‌طلب‌تر شدن آن

تشکیلات پهلوی نسبت به گذشته تقویت شده و خشونت بیشتری به کار می‌برد، این موضوع در این بخش مورد بررسی قرار گرفته است. نوع بررسی، شواهد‌محور است و برخی از اتفاقات را برای توضیح تحول معرفی می‌کند.

بزرگ‌ترین فعالیت‌های تروریستی در ایران، اغلب توسط جریانات تجزیه‌طلب و منافقین صورت گرفته‌اند. تشکیلات پهلوی نیز اقداماتی مانند انفجار حسینیه رهپویان وصال‌شیراز در سال ۱۳۸۷ را در کارنامه خود دارد که منجر به شهادت ۱۴ عزادار شد، اما میزان عملیات‌ها و مجموع کشته‌های آن، با اقدامات منافقین و تجزیه‌طلبان قابل مقایسه نبوده‌اند.

مختصات	ایران	کانادا
تاریخ وقوع	دی	بهمن
جامعه هدف	«توده‌محور» شامل جمعیت‌های مردمی، نیروهای حافظ امنیت و معترضان	«شخص‌محور» شامل فعالان برانداز
تعداد کشته‌ها	۳۱۱۷ نفر شامل ۲۴۲۷ شهید	۲ نفر شامل «حسن احمدی‌پور» از فعالان سابق سلطنت‌طلب و «حسن احمدی‌پور» نزدیک به منافقین
اهداف	هدف حداکثری: سقوط نظام سیاسی هدف حداقلی: بر جای گذاشتن زخم اجتماعی	هدف پاک‌سازی جریان برانداز
بازه زمانی	۲ طی روز، ۱۸ و ۱۹ دی‌ماه	از ۲ هفته قبل آغاز شده و هنوز پایانش مشخص نیست
نوع برخورد کشور میزبان	نیروهای امنیتی ایران به‌سرعت این شبکه را متوقف کردند	دستگاه‌های امنیتی کانادا تحرک خاصی نشان نداده‌اند و این امر باعث وقوع ترور دوم شد
اثرگذاری	منفعل کردن مردم و دولت بر اثر شدت خشونت	منفعل کردن براندازان بر اثر شدت خشونت
میزان موفقیت در اثرگذاری	نیروهای امنیتی حرکت را مهار و مردم در ۲۲ دی‌ماه راهپیمایی سراسری برگزار کردند	فعالان برانداز هراسناک، وقایع را دنبال می‌کنند و کسانی مانند گلشلیفته فراهانی نظر خود را تغییر داده‌اند
بازوی اجرا	گروه‌های تجزیه‌طلب، برخی اقلیت‌ها و حتی سازمان منافقین در قالب اتاق عملیات مشترک	احتمالاً با سفارش به جنایت‌کاران محلی

بااین‌حال وقایع دی‌ماه ۱۴۰۴، نشان داد آن‌ها ظرفیت دیگری برای فعالیت ترور یستی یافته‌اند. البته باید توجه داشت بخش مهمی از این ظرفیت، ناشی از وجود اتاق عملیات مشترک بوده است. بسیاری از کسانی که به‌عنوان اغتشاشگر با حضور در خیابان، مردم، نیروهای حافظ امنیت و معترضان را طعمه خود کردند، به گروه‌های تجزیه‌طلب، منافقین و برخی اقلیت‌ها تعلق داشتند. محوریت اقدامات اما در دستان تشکیلات پهلوی بود.

دو‌ترور در کانادا با وجود دستگاه‌های اطلاعاتی قدرتمند، حکایت از آزادی عمل و شدت خشونت تشکیلات پهلوی است که این نیز یکی از شواهد در خصوص پشتیبانی سنگین از این گروهک است.

به‌عقب‌نشینی و اداشتن فردی با پیشینه فراهانی که جزء چپ‌های قدیمی است، آن هم در مدت زمانی بسیار کوتاه و به شکل کامل، نشانه‌ای از زورمند شدن تشکیلات پهلوی با تهدید و ترور دارد.

چرا پهلوی‌ها چنین جایگاهی یافتند؟

تشکیلات پهلوی با چند حرکت، خود را در جبهی قرار داده تا میزان بیشتری از پشتیبانی را جلب کند. قاعدتاً این حرکت‌ها، عبور از مرز بوده‌اند و پهلوی به دلیل جاذبه‌طلبی و روی‌آیهایی که در سر دارد، از مرزها گذشته تا به آرزوهای خود برسد.

پیوند با صهیونیسم

پهلوی‌ها ارتباطاتی قدیمی با صهیونیسم دارند، اما در نوبت جدیدی این روابط را احیا و توسعه داده‌اند.

الف) ارتباط خانوادگی و ازدواج با صهیونیسم

رضا پهلوی به‌زعم خود طبق‌الگوئی برخی از بهرمان‌گام برداشته است. او دیده، ترامپ با داماد صهیونیستش به ریاست‌جمهوری آمریکا رسید و الهام‌علی‌اف، رئیس‌جمهور آذربایجان تلاش کرد با دادن دخترش به یک صهیونیست، جایگاه خود را مستحکم کند. پهلوی بر این اساس طی ماه‌های اخیر، بزرگ‌ترین دختر خود را به یک صهیونیست دوتابعیتی آمریکایی – اسرائیلی داد تا بتواند حمایت این جریان را جلب کند. این حرکت او عبور از چند مرز بود. رژیم صهیونیستی به طور گسترده‌ای منفور است و با اقداماتش در غزه، منفورتر شده است. ازسوی‌دیگر از نظر دینی، دختری مسلمان نمی‌تواند به همسری فردی غیر مسلمان درآید و این اقدام پهلوی، خروج از رعایت‌ظاهر اسلامی از سوی این خاندان بود.

ب) تنها حامی خیابانی رژیم صهیونیستی در غرب طی جنگ غزه

در حین جنگ غزه، طیف وسیعی از افراد و گروه‌ها در غرب علیه جنایت‌های

رژیم صهیونیستی دست‌به‌اعتراض زدند. حتی در برهه‌ای راست‌های افراطی به دلیل هز بنه‌های بالای رژیم صهیونیستی برای غرب، در رسانه‌های خود تل‌آویو را مورد انتقاد قرار می‌دادند. طیف مخالفان جنایت‌های رژیم صهیونیستی در خیابان، حتی شامل یهودیان و صهیونیست‌های دارای تابعیت رژیم صهیونیستی نیز می‌شد. علی‌رغم چنین فضایی، تنها کسانی که در خیابان‌های غرب برای حمایت از رژیم صهیونیستی تجمع کردند، جریان پهلوی بودند. تنها یار خیابانی تل‌آویو در خیابان‌های غرب، تشکیلات پهلوی بود که نشان‌دهنده آمادگی بالایی پهلوی برای هزینه‌دهی برای رژیم صهیونیستی بود.

ج) حمایت از حمله نظامی حین جنگ ۱۲ روزه

پهلوی از حمله نظامی رژیم صهیونیستی به ایران طی جنگ ۱۲ روزه به طور کامل و عیان حمایت کرد؛ اقدامی که به‌سیاری از براندازان با وجود همراهی عملی با تل‌آویو، از گفتن و فریاد زدن ابا داشتند.

پیوند با راست افراطی

رضا پهلوی با آن بخش از جریان صهیونیسم پیوند خورده که مدافع راست افراطی است. او با شخص نتانیاهو ائتلاف کرده است. در آمریکا نیز پهلوی‌ها با راست افراطی ائتلاف کرده‌اند. حمله رضا پهلوی به دموکرات‌ها و سران این حزب مانند اوایما و بایدن و تمجید از ترامپ در این راستا قابل‌ارزیایی است. از نظر ایدئولوژیک تکیه بر «استان‌گرایی افراطی»، شخصیت‌پرستی در قالب شعارهایی مانند «جاویدشاه»، گرایش‌هاور رفتارهای مشابه با راست افراطی را نشان می‌دهند. در حوزه پوشش، نوع لباس‌های نمایان طرف‌داران پهلوی مانند بستن بازوبند و استفاده از کلاه نظامی در تجمعات به سبک نئونازی‌ها و راست‌های افراطی، دیگر مصداق در این باره است.

خشونت حداکثری

خشونت حداکثری پهلوی یک عامل ثانویه است. تشکیلات پهلوی دهه‌هاست به خشونت حداکثری قائل است و هر زمان توانایی داشته، این اقدام را انجام داده است. پس این امر موضوعی دانمی در تشکیلات پهلوی و منوط به توانمندی آن در هر دوره است.

تشکیلات پهلوی در پیوند با صهیونیسم و راست افراطی مورد پشتیبانی سنگین‌تری قرار گرفته و ازاین‌رو توانسته ظرفیت‌های بالقوه خشونت‌آمیز خود را بالفعل کند. به‌عنوان نمونه ایده کشتار یک میلیون ایرانی برای حفظ قدرت، ایده‌ای بود که در دی‌ماه ۱۳۵۷ در ذهن این تشکیلات وجود داشت. آن‌ها قصد داشتند با جنگنده‌های فانتوم و بالگردهای کبرا شهرها را بمباران کرده و با کشتار یک میلیون نفر، غائله را بخوابانند. در این طرح صدها هزار نفر با وجود تسلیم، بازداشت می‌شدند. بعدها برخی عوامل نزدیک به رژیم حتی ایده کشته‌شدن دو تا سه میلیون ایرانی را مطرح کردند.

در وقایع دی‌ماه، «محسن بنایی» چهره نزدیک به رضا پهلوی در مصاحبه با بی‌بی‌سی فارسی تأکید کرده بود، تشکیلات پهلوی با کشته‌شدن یک میلیون ایرانی برای بازگشت به قدرت، مشکلی ندارد.

نکات

سازمان منافقین تحت حمایت اروپا قرار دارد و این را از آزادی عمل این سازمان در قاره‌سبز و مناطق تحت نفوذش، از جمله کانادا که تحت کنترل انگلیس است، می‌توان دریافت. در مقابل، جریان سلطنت بیشتر از آمریکا پشتیبانی می‌شود. تروریستی اعلام‌کردن منافقین در برهه‌هایی و مطرح‌شدن پیشنهاد قرارگرفتن مجدد این سازمان در لیست گروه‌های تروریستی آمریکا، در پیامد حمله منافقین با یک کامیون شعارنویسی‌شده به تجمع پهلوی در این راستا قابل‌ارزیایی است.

قتل‌ها در کانادا صورت می‌گیرند. کانادا برای منافقین از نظر محیط جغرافیایی و تجمع، شاید چیزی شبیه به سوئد در اروپا باشد؛ گرچه حامیان اصلی سزآمان پاریس، برلین و لندن هستند. کانادا به دلیل تأثیرپذیری از اروپا و وجود پرورنده سقوط هواپیمای اوکراینی که از تهران عازم کانادا بود، نقش خود را در مسیالان افزایش داد. بااین‌حال، بیشتر کسانی که از این پرورنده وارد امور شدند، از جمله حامد اسماعیلیون دارای گرایش به منافقین بوده و یا سلطنت‌طلبان دردمر سازی بودند که با شاخه آمریکا به اختلاف خوردند.

در اروپا تکلیف تا حدی مشخص است و غلبه با منافقین است. در آمریکا نیز تکلیف مشخص بوده و تشکیلات پهلوی غلبه دارد. ازاین‌رو کانادا یک محل نزاع برای کنترل است. تشکیلات پهلوی تلاش دارد حوزه نفوذ خود را از آمریکا گسترش داده و کانادا را هم تحت کنترل بگیرد.

سیاه‌مشقی برای تازه‌جوانان وطن

انقلاب ناتمام

ادامه از صفحه یک

اما چرا گفتیم «انقلاب ناتمام»؟ چون ضحاک اصلی هنوز در کاخ سیاهش بر تخت قدرت تکیه زده است. او سال‌هاست که دارایی مادی و معنوی ملت‌ها – به‌ویژه در این منطقه – را هدف گرفته و پیوسته از جان‌جویان این کشورها ارتزاق می‌کند و جز پرچمی که از ایران افراشته شده و در برخی ملت‌ها طنین انداخته، کسی را همت و یارای مقابله با او نیست. این لطف خداست که منش ضحاکیان امروز را روشن‌تر از همیشه به نمایش گذاشته و سیاه‌رویان و دیوسیرتان‌را در یک طرف گردآورده است؛ آن‌ها که علناً به کودک‌کشی و کودک‌آزاری و کشورکشی‌ای روی آورده‌اند. در این صحنه آشکار، چه جای شک می‌ماند؟

این انقلاب‌های قلابی و ناپای، اگر نهایت افقشآن راهبی از شرافت‌ها و حرمت‌ها و محدودیت‌های روابط فردی انسان‌ها، و حتی شرافت عدم رابطه با رژیم خون‌ریز و کودک‌کشی همچون اسرائیل است، انقلاب خمینی منتهای افقش نه‌فقط رهاکردن خود از استبداد داخلی و عزت دادن به مردم ایران، بلکه به زیر کشیدن ضحاک جهان و رهاکردن بی‌پناهان و ستم‌گشان دنیا بوده و است؛ و همین برچهم‌داری مبارزه و الهام‌بخشی در مقاومت، مهم‌ترین دلیل دشمنی با نظام اسلامی در حدود نیم‌قرن گذشته است. این دقیقاً همان دستان‌آیی است که ضحاکیان خواسته‌اند برعکس جلوه بدهند تا با ایجاد شکاف در سپاه کاوه، سلطه جهانی خود را تداوم ببخشند.

اکتون به نظر دوره در پیش رو داریم؛ ادامه این مبارزه شرافتمندانه و مسئولیت خطیر تاریخی تا رهایی انسان یا سر فرودآوردن و سواری دادن همچون حکام برخی رژیم‌های منطقه که البته این دومی حتی اگر ما بخواهیم، محقق نخواهد شد، چون سر خم کردن یک مبارز همان و گردن زدن‌دهد و تجزیه به ایران به انتقام کینه‌های ۵۰ساله و سرکوب امکان مجدد قیام همان. حال که ضحاک این‌گونه از ایستادگی ما به ستوه آمده، بر یکسرکردن کار اصرار دارد و راه دیگری جز تسلیم یا جنگ پیش روی ما نگذاشته، انتخاب شما کدام است؟

همه بر سر سر تن به کشتن دهیم

به آید که گیتی به دشمن دهیم

فرهنگ‌نگار

فرهنگ‌نگار



یکشنبه ۲۶ بهمن ۱۴۰۴



شماره ۴۶۲۹



FARHIKHTEGANDAILY.COM



FARHIKHTEGANONLINE

فرهنگ‌نگار